



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

به سمت یک جنگ بزرگ



پل پیلار

استاد روابط بین‌الملل
دانشگاه جورج تاون

در طول مرزهای اسرائیل و لبنان که طی سال گذشته شاهد تبادل آتش بین اسرائیل و حزب‌الله بوده است، اسرائیل پنج برابر تعداد حملاتی که حزب‌الله انجام داده، صورت داده است که ۱۰ برابر بیشتر از این تعداد تلفات، از جمله تلفات غیرنظامیان لبنانی را به همراه داشته است. اکنون وسایل ارتباطی در لبنان منفجر شده که با توجه به وسعت و گستره جغرافیایی تلفات ناشی از آن، نشان‌دهنده تشدید تنش بزرگ دیگر از سوی اسرائیل است. گویا این کافی نبود، یک روز پس از انفجار واکی تاکی، اسرائیل مرگبارترین حمله هوایی خود را از زمان آغاز دور کثونی درگیری‌ها در اکتبر گذشته علیه بیروت انجام داد. حملات پیچر موجی از تحلیل‌های فوری را برانگیخته است که بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه این حملات با استراتژی اسرائیل منطبق است؟

اسرائیلی‌ها به دنبال چه بوده‌اند؟ و به‌ویژه این سوال که «چرا اکنون». این حملات انجام شده است. یکی از محرک‌های اصلی، انگیزه‌های شخصی بنیامین نتانیاهو بوده است که ادامه و حتی تشدید جنگ را تنها بلیت خود برای حفظ ائتلاف راست افراطی می‌داند. بنابراین در قدرت باقی می‌ماند و همچنین روزی را که قرار است اتهامات فساد او مورد بررسی قرار گیرد به تعویق می‌اندازد. محرک دیگر احساسی است که شامل نفرت گسترده اسرائیل از اعراب است که پس از حمله حماس به اسرائیل، شدیدتر شد. ماهیت عملیات مربوط به وسایل ارتباطی مملو از مواد منفجره در واقع یک محرک دیگر است. عملیاتی به این بزرگی و پیچیدگی که شامل نفوذ به خطوط عرضه و احتمالاً ایجاد شرکت‌های جعلی می‌شود، باید از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی و آغاز می‌شد. بنابراین، تلاش برای پاسخ به این سوال که «چرا اکنون» این حمله انجام شده با حدس و گمان در مورد آنچه در ذهن سازندگان عملیات در سال‌ها قبل می‌گذشت بی‌معنی است. این نوعی از عملیات است که، در حالی که مستلزم تلاش و هزینه بسیار است، در صورت به خطر افتادن می‌تواند به سرعت بی‌فایده شود. اگر یکی از آن هزاران پیچر پیش از موعد منفجر می‌شد، یا اگر رهبران حزب‌الله به این عملیات پی می‌بردند، همه دستگاه‌ها به سرعت دور انداخته می‌شدند. شاید اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حزب‌الله به کشف این عملیات نزدیک است. هیچ‌یک از کارهایی که اخیراً اسرائیل با حزب‌الله انجام داده است، از جمله عملیات پیچرها و واکی تاکی‌ها، حتی اهداف امنیتی فوری اسرائیل را پیش نمی‌برد، چه رسد به اهداف بلندمدت. در حال حاضر هدف اصلی اسرائیل در مورد مرزهای لبنان و روبرویی با حزب‌الله این است که ساکنان اسرائیلی که از شمال اسرائیل تخلیه شده‌اند را قادر به بازگشت به خانه‌های خود کند. تشدید خشونت‌ها و تنش‌ها در امتداد مرز این هدف را دست‌یافتنی‌تر نمی‌کند. حملات پیچر و واکی تاکی ممکن است تلاشی برای وارد کردن ضربه مهم به حزب‌الله بدون توسل به جنگ تمام‌عیار، از جمله تهاجم زمینی به لبنان باشد. از سوی دیگر، ممکن است با تضعیف توانایی حزب‌الله برای دفاع از خود، آماده‌سازی برای چنین تهاجمی بوده باشد. در هر صورت، حزب‌الله احساس می‌کند که تحت فشار زیادی برای پاسخ دادن است. سیدحسین نصرالله، رهبر حزب‌الله علناً قول داده است که در زمان‌ها و مکان‌هایی که حزب‌الله انتخاب کرده است، تلافی کند. حزب‌الله دلایل خوبی برای ادامه تلاش برای اجتناب از جنگ همه‌جانبه دارد، اما اقدامات اخیر اسرائیل آنقدر توهین‌آمیز است که بی‌پاسخ نمی‌ماند. در واشنگتن، یک سوال کلیدی این است که مرزهای صبر ایالات متحده در برابر جنایات اسرائیل چقدر است. علاوه بر هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک گسترده‌تر که ایالات متحده از ارتباط نزدیک خود با اسرائیل متحمل می‌شود، افزایش یافته است. واکنش مناسب ایالات متحده نه تنها به رسمیت شناختن تروریسم و مخالفت با آن بدون توجه به اینکه چه کسی آن را انجام می‌دهد، است، بلکه محافظت از منافع خود با دور شدن از ارتباط نزدیک با کشوری است که به طور فزاینده‌ای به یک کشور سرکش تبدیل شده است.

زمینه‌سازی برای جنگ

اسرائیل با اقدامات اخیر خود مرحله به مرحله در حال ایجاد زمینه برای حمله زمینی به جنوب لبنان است



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی
و بین‌الملل

حملات اسرائیل به شبکه ارتباطات حزب‌الله احتمالاً نشانگر تغییری ادامه‌دار و روند پیش‌رونده حرکت اسرائیل به سمت آغاز یک کمپین نظامی شدیدتر علیه لبنان است. این کمپین می‌تواند در فازهای نخست با تشدید اقدامات مخفیانه و استفاده از نیروی هوایی آغاز شود و در فاز دوم اسرائیل تهاجم زمینی محدود به جنوب لبنان را کلید زده و احتمالاً بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به سمت تهاجم بزرگ‌تر به جنوب لبنان حرکت کند.

هفته گذشته هزاران پیچر و دستگاه بی‌سیم و تلفن همراه که توسط اعضای حزب‌الله لبنان و برخی دیگر از گروه‌های غیرنظامی استفاده می‌شد، منفجر شد. این حمله عجیب بیش از ۳ هزار مجروح و حداقل ۳۷ کشته بر جای گذاشت. براساس گزارش‌ها، سازمان اطلاعات اسرائیل در حدود پنج ماه پیش و قبل از اینکه این دستگاه‌ها به حزب‌الله تحویل داده شوند، مواد منفجره را در این دستگاه‌ها کار گذاشته بود و بعد با ارسال پیام متنی این دستگاه‌ها را منفجر کرد. در ۱۹ سپتامبر، یعنی روز دوم حمله پیچری، ارتش اسرائیل اعلام کرد که حملات خود را به جنوب لبنان برای از بین بردن توانایی حزب‌الله در حمله به شمال اسرائیل آغاز خواهد کرد. هرزی حلو، فرمانده ارتش اسرائیل نیز طرح‌های جنگی به‌روزرشده‌ای را علیه حزب‌الله تایید کرد. در همین حال، سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در ۱۹ سپتامبر قول داد که به‌رغم حملات پیچری که «ضربه بزرگی به حزب‌الله وارد آورد، این گروه به مبارزه با اسرائیل ادامه خواهد داد.»

واقعیت این است که همانطور که سیدحسین نصرالله تایید کرد، حملات پیچری اسرائیل بزرگترین اقدام مخفیانه اسرائیل علیه حزب‌الله از زمان آغاز جنگ غزه در سال گذشته است. در طول نزدیک به یک سال گذشته حزب‌الله لبنان در کنار حماس یک کمپین نظامی را علیه اسرائیل آغاز کرده است. این کمپین نظامی با پاسخ اسرائیل مواجه شده و اسرائیل در عرصه وسیع‌تری واکنش نشان داد. ترور فرماندهان کلیدی حماس، حزب‌الله و ایران از طریق حملات هوایی و عملیات‌های ترور از سوی اسرائیل انجام شد. وضعیت به گونه‌ای بود که احتمال می‌رفت درگیری در غزه باعث بروز یک جنگ بزرگ منطقه‌ای با مشارکت ایران شود.

گزارش‌ها حاکی از آن است که اسرائیل قصد داشت در ابتدای تهاجم زمینی برنامه‌ریزی شده‌اش از انفجار پیچرها برای اختلال در شبکه ارتباطی حزب‌الله و تضعیف روحیه فرماندهان این گروه استفاده کند. در درگیری‌های نظامی، ارتباطات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. یگان‌ها و گردان‌ها مستقر در عرصه نبرد باید

بتوانند با یکدیگر خطوط ارتباطی امنی داشته باشند تا در هماهنگی با یکدیگر به صورت یک کل واحد عمل کنند. از این جهت است که همواره در نبردهای نظامی، هر دو طرف در گام نخست سعی می‌کنند این خطوط ارتباطی را از میان برده و یا اینکه به صورت مخفیانه مکالمات طرف مقابل را شنود کنند. شبکه ارتباطی یک نیروی نظامی، به مانند شبکه اعصاب در بدن انسان است. یک نیروی نظامی بدون برخورداری از شبکه ارتباطی فلج خواهد شد؛ گویی در تاریکی قدم می‌برد. اما آنطور که گزارش‌ها روایت می‌کنند اسرائیل پس از بیم از اینکه حزب‌الله ممکن است به نفوذ اسرائیل در شبکه ارتباطی پی برده باشد، مجبور شده پیچرها را زودتر از موعد منفجر کند. از این جهت شاید حزب‌الله خوش‌شانس بود که این حمله پیچری زودتر از موعد انجام شد.

نکنه دیگری که بسیار حائز اهمیت است، زمان وقوع حمله پیچری است. این حمله درست زمانی صورت گرفت که کابینه جنگی اسرائیل طرح عملیات نظامی برای بازگرداندن ساکنان شمال اسرائیل به شهرک‌ها را رسماً تأیید کرده بود. اسرائیل مدت‌هاست که به طور غیررسمی اعلام کرده خواهان ایجاد یک منطقه حائل در شمال است تا ساکنان شمال اسرائیل بتوانند در مقابل حملات حزب‌الله ایمن باشند. هدف دیگر اسرائیل از ایجاد منطقه حائل، جلوگیری از امکان وقوع حمله‌ای به شمال اسرائیل به سبک حمله هفتم اکتبر بود. در تاریخ ۱۸ سپتامبر، یوآو گالات، وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد که مرکز ثقل جنگ به سمت شمال در حال تغییر است، زیرا اسرائیل تیپ ۹۸ خود را که یک واحد هوارد است از غزه به شمال منتقل می‌کند. این حرکت به تشکیل نیروهای زرهی تیپ گولانی کمک می‌کند.

حملات پیچری اسرائیل به طور موقت شبکه ارتباطی حزب‌الله را مختل کرده و توانایی این گروه برای فرماندهی و کنترل مؤثر نیروهایش را مختل می‌کند اما واقعیت این است که حزب‌الله لبنان این توان را دارد که با تطبیق و یافتن ابزارهای جدید ارتباطی برای ادامه نبرد با اسرائیل، در موازات با عملیات پاکسازی اطلاعاتی در درون خود، در وضعیت تهاجمی باقی بماند. سیدحسین نصرالله در اوایل سال جاری میلادی به نیروهای حزب‌الله لبنان دستور داده بود تلفن‌های همراه خود را به دلیل نگرانی از ردیابی و نفوذ اسرائیل، کنار بگذارند. بسیاری از نیروهای حزب‌الله لبنان بدون استفاده از پیچرها یا تلفن‌های همراه از وسایل

نگاه
هم‌میهن

ارتباطی قدیمی‌تری نظیر بی‌سیم رمزگذاری شده، بی‌سیم‌ها و تلفن‌های ثابت استفاده می‌کردند. بنابراین حالا و پس از حمله پیچری این احتمال وجود دارد که این گروه دوباره به روش‌های قدیمی ارتباطی بازگشته و خود را از فناوری‌ای که مستعد خرابکاری و نفوذ دیجیتال اسرائیل است، دور نگه دارد. اگر چه این روش‌ها نیز به طور کلی مؤثرتر نیستند، اما استفاده از این وسایل کار جاسوسی یا خرابکاری را برای اسرائیل دشوارتر خواهد کرد. اما در عین حال این تغییر رویه به سمت استفاده از فناوری‌های ارتباطی قدیمی‌تر ممکن است توانایی حزب‌الله را برای واکنش سریع به نفوذ و اقدامات پنهانی اسرائیل کاهش دهد، اما بعید است که توانایی حزب‌الله برای هماهنگی انجام عملیات انتقام‌جویی گسترده علیه اسرائیل یا ضدحمله‌ها علیه تهاجم اسرائیل را به‌طور قابل‌توجهی کاهش یابد. در همین حال، حزب‌الله احتمالاً تحقیقاتی داخلی در مورد چگونگی انجام این حمله مخفیانه انجام خواهد داد و غیرنظامیان لبنانی و نیروهای خود را در تلاش برای ریشه‌کن کردن عوامل نفوذ بسیج خواهد کرد.

فواد شکر، فرمانده ارشد حزب‌الله، که در اواخر جولای در بیروت ترور شد، با استفاده از وسایل ارتباطی ردیابی شد. آنطور که گزارش‌ها روایت کرده‌اند، در ابتدا سازمان اطلاعات اسرائیل یک تماس تلفنی با تلفن او برقرار کرد و او را به داخل ساختمانی کشاند و در ادامه ارتش اسرائیل این ساختمانی را مورد هدف قرار داد. حزب‌الله لبنان حتی بدون سیستم‌های ارتباطی پیشرفته‌تر، ابزارهای دیگری برای تضمین فرماندهی و کنترل نیروها در اختیار دارد. برای مثال وضعیت حماس در غزه را در نظر بگیرید. غزه مکانی است که تحت شدیدترین نظارت‌ها و اشراف اطلاعاتی اسرائیل قرار دارد اما نیروهای حماس با کنار گذاشتن بیشتر وسایل ارتباط الکترونیکی، با تکیه بر پیام‌های دست‌نویس و سیستم‌های ارتباط شخص به شخص، با هدف